

به نام خدای مهربان



ماجراجویان کهکشانشان

۹

آخر بازی در زمین

رمان نوجوان - علمی تخیلی



تومی دونبوند • امیرحسین میرزاییان

آخر بازی در زمین

تومی دونبوند

ترجمه‌ی امیرحسین میرزاییان

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

ویراستار: سیما طاهری

زیر نظر شورای بررسی

صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۵/۶۹۵

چاپ سوم: ۱۳۹۹ • تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

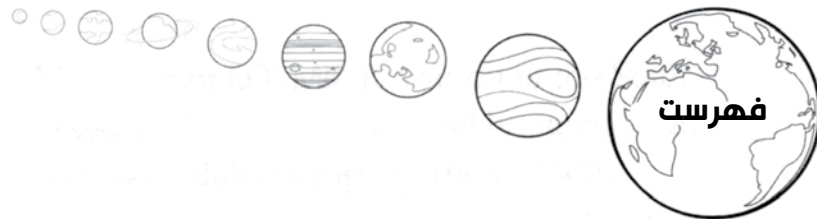
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۴-۶

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای

موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

چاپ سوم



- با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید..... ۴
- جلسه‌ی تمرین کیهان..... ۶
- فصل اول: در کنار خانواده..... ۱۰
- فصل دوم: سرخ..... ۱۹
- فصل سوم: هدف، کره‌ی زمین..... ۲۶
- فصل چهارم: مرد غول آسا..... ۳۳
- خودآزمایی..... ۴۶
- چگونه از خواندن این کتاب بیشتر لذت ببریم؟..... ۴۷
- درباره‌ی نویسنده..... ۴۸
- پاسخ خودآزمایی..... ۴۸

سرشناسه: دونبوند، تامی Donbavand, Tommy

عنوان و نام پدیدآور: آخر بازی در زمین/تومی دونبوند؛ امیرحسین میرزاییان.

مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.

مشخصات ظاهری: ۴۸ص: مصور.

فروست: ماجراجویان کهکشان؛ ۹.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۴-۶ . دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Endgame on earth

موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: میرزاییان، امیرحسین، ۱۳۶۴ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ PZV/۸۷۳

رده بندی دیویی: [ج] ۸۲۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۳۹۱۹



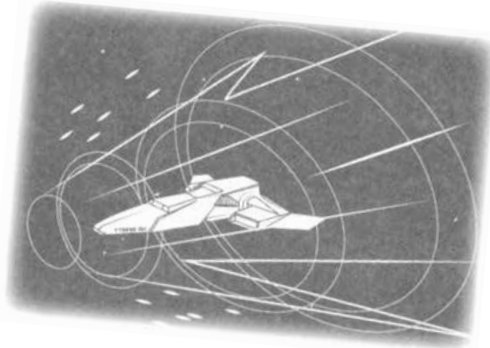
Paper from well managed forests
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.

تحت تعقیب



جیزر



سفینه‌ی اچ اس اینفینیتی

با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید

دَن



نام: دن فایربال

سمت: فرمانده

سن: ۱۲

اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: پشت صندلی

فرماندهی پنهان شود و با ترس

بپرسد: «هنوز نرسیدیم؟»

نام: ولت

سمت: دستیار

سن: خیلی خیلی پیر!

اهل سیاره: زهره

کار مورد علاقه: از آگروز

روی شانهاش بخار بیرون بزند و

اعلام کند: «پرش انجام شد!»

وَلت



اَسْترا



نام: استرا مون

سمت: افسر ارشد

سن: ۱۱

اهل سیاره: ماه

کار مورد علاقه: در مقابل

جیزر بایستد، یک گارد کاراته‌ای

بگیرد و بگوید: «بیا جلو!»

گاس



نام: گاس باستر

سمت: رئیس کیهان

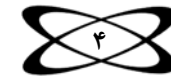
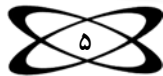
سن: ۱۵

اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: ناگهان روی

صفحه‌ی مانیتور ظاهر شود و


فریاد بزند: «فایربال، کجایی؟»

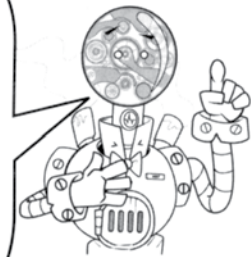




جلسه‌ی تمرین کیهان

تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی

درود بر تازه‌واردها!
اسم من ولت است و معلم سایبری
امروز شما هستم. اگر می‌خواهید شما
هم یک مأمور کیهانی  باشید،
باید تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی را
بدانید، پس باید این بخش را بخوانید.



ولت

در آن دوران مشکلات زیادی وجود داشت. بزرگ‌ترها زمین را
آلوده کرده بودند و بدتر از

همه این که همین کار
را با هشت سیاره‌ی
دیگر منظومه‌ی
شمسی هم کردند.
حقیقت این است
که بزرگ‌ترها
تا مدت‌ها اصلاً
نمی‌دانستند پلوتن
واقعاً یک سیاره است!



تا این که در سال ۲۲۸۱، بچه‌ها کنترل منظومه‌ی شمسی را به
دست گرفتند.

حالا دیگر بزرگ‌ترها در هجده
سالگی بازنشسته می‌شدند
و بچه‌ها آن‌ها را به خانگی
سالمندانی که در ایستگاه‌های
فضایی ساخته شده بود
می‌فرستادند. بچه‌ها فقط سه سال
در مدرسه می‌ماندند و اکثرشان تا
هشت سالگی، دیگر صاحب شغل
شده بودند.

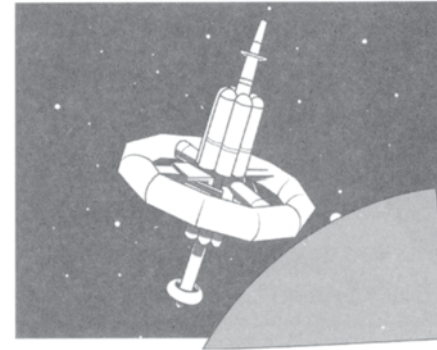


مدت‌ها پیش، بزرگ‌ترها کنترل همه
چیز را به دست داشتند. تمام شغل‌ها
مال آن‌ها بود، دولت‌ها را آن‌ها اداره
می‌کردند و تازه کنترل تلویزیون هم
همیشه دستشان بود.

بچه‌ها ناچار بودند تا هجده سالگی در
مدرسه بمانند. آن‌ها مجبور بودند هر
کاری که پدر و مادرشان می‌گفتند
انجام دهند. بزرگ‌ترها پول کمی هم
در اختیار بچه‌ها می‌گذاشتند که به
آن «پول توجیبی» می‌گفتند.



بدین ترتیب منظومه‌ی شمسی به سرعت به جایی شادتر، امن‌تر و تمیزتر برای زندگی تبدیل شد.



اما همه‌ی بزرگ‌ترها بازنشستگی را در هجده سالگی دوست نداشتند. عده‌ای شورش کردند و از خانه‌ی سالمندان گریختند. آن‌ها شروع کردن به ایجاد دردسر و انجام کارهای خلاف.

برای همین بود که سازمان **کیهان** به وجود آمد:

کیهان؛ مخفف این کلمات است:

کمپانی

یافتن

همه

اشتباهات

فابخشودنی

یکی از بدترین این خلافکاران، مردی به نام جیزر بود. هدف **کیهان** این بود که جلوی کارهای خلافتش را بگیرد.

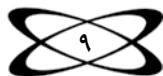


اعضای **کیهان** به همه جای منظومه‌ی شمسی سر می‌زدند تا معماهای پیچیده را حل و بزرگسالان خلافتکار را دستگیر کنند. سرنشینان سفینه‌های پرشی **کیهان** می‌توانستند از میان تونل‌های مغناطیسی نامرئی کهکشانی به نام منطقه‌ی پرش بگذرند و به دنبال ماجراهای تازه بروند، بنابراین به آن‌ها ماجراجویان کهکشانی می‌گفتند.



منم در کنار دن فایربال و استرا مون مشهور، عضو تیم ماجراجویان کهکشانی بودم.

حالا اگر ورق بزنید، می‌توانید داستان مأموریتی را بخوانید که سرانجام هویت بزرگ‌ترین خلافتکار فاش می‌شود.





در کنار خانواده

گزارش رسمی وقایع سفرهای

سفینه‌ی فضایی اچ اس اینفینیتی

مأموریت نهم:

آخر بازی در زمین

گزارش از این قرار است:

در کابین فرماندهی سفینه‌ی اچ اس اینفینیتی باز شد و افسر ارشد، استرا مون، وارد شد. او داشت یک گزارش تصویری را روی صفحه‌ی تبلتش تماشا می کرد.

استرا بدون آن که سرش را از روی تبلت بلند کند گفت: «دن، این گزارشی را که رئیس فرستاده، دیده‌ای؟ الان بزرگسالان ۷۵٪ کل خلاف‌های دنیا را مرتکب می شوند...»

او با شنیدن صدای ترانه‌ای آشنا سر جایش ایستاد.

«تولد، تولد، تولد مبارک! تولد مبارک دنیل عزیز!»

استرا سرش را بالا آورد و فرمانده دن فایربال را دید که جلوی صندلیش ایستاده است. کنارش دو بزرگسال دیده می شد: مردی با موهای بور و سیلی نازک و زنی که لباسی گلدار به تن داشت. مرد کیکی به دست داشت که رویش چندتا شمع روشن بود.

او لبخندزنان گفت: «بیا پسر، شمع‌ها را فوت کن و یک آرزو هم بکن!»



استرا گفت: «بخشید، نمی دانستم مهمان داری.»

